

پرداخت حقوق الله

حضرت بهاء الله:

۱ - " وَالَّذِي تَمَلَّكَ مِائَةٌ مِثْقَالٍ مِنَ الذَّهَبِ فَتِسْعَةٌ عَشْرَ مِثْقَالًا لِلَّهِ فَاطْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ إِيَّاكُمْ يَا قَوْمَ أَنْ تَمْنَعُوا أَنْفُسَكُمْ عَنْ هَذَا الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿﴾ قَدْ أَمَرْنَاكُمْ بِهَذَا بَعْدَ إِذْ كُنَّا غَنِيًّا عَنْكُمْ وَعَنْ كُلِّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ ﴿﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لِحُكْمًا وَمِصَالِحًا لَمْ يَحِطْ بِهَا عِلْمٌ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ الْعَالَمُ الْخَبِيرُ ﴿﴾ قُلْ بِذَلِكَ أَرَادَ تَطْهِيرَ أَمْوَالِكُمْ وَتَقَرُّبَكُمْ إِلَى مَقَامَاتٍ لَا يَدْرِكُهَا إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْفَضَّلُ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿﴾ يَا قَوْمَ لَا تَخُونُوا فِي حَقُوقِ اللَّهِ وَلَا تُصَرِّفُوا فِيهَا إِلَّا بَعْدَ إِذْنِهِ كَذَلِكَ قَضَى الْأَمْرَ فِي الْأَلْوَابِ وَفِي هَذَا اللَّوْحِ الْمُنْبَعِ ﴿﴾ مَنْ خَانَ اللَّهَ يَخَانَ بِالْعَدْلِ وَالَّذِي عَمِلَ بِمَا أَمَرَ يَنْزِلُ عَلَيْهِ الْبَرَكَةُ مِنْ سَمَاءٍ عَطَاءَ رَبِّهِ الْفَيْضَ الْمَعْطِيِّ الْبَاذِلَ الْقَدِيمَ ﴿﴾ إِنَّهُ أَرَادَ لَكُمْ مَا لَا تَعْرِفُونَهُ الْيَوْمَ سَوْفَ يَعْرِفُهُ الْقَوْمُ إِذَا طَارَتِ الْأَرْوَاحُ وَطُوِيَتْ زُرَابِي الْأَفْرَاحِ كَذَلِكَ يَذَكِّرُكُمْ مِنْ عِنْدِهِ لَوْحٌ حَفِيفٌ "

(كتاب اقدس - بند ۹۷)

۲ - " كُلِّ ذَلِكَ بَعْدَ آدَاءِ حَقِّ اللَّهِ " (كتاب اقدس - بند ۲۸)

۳ - " سؤال : از نصاب حقوق الله.

جواب : نصاب حقوق الله ۱۹ مثقال از ذهب است یعنی بعد از بلوغ نقود به این مقدار حقوق تعلق می گیرد و اما سایر اموال بعد از بلوغ آن به این مقام قیمه لا عدداً و حقوق الله یک مرتبه تعلق می گیرد مثلاً شخصی مالک شد هزار مثقال از ذهب را و حقوق آن را ادا نمود بر آن مال دیگر حق الله تعلق نمی گیرد مگر بر آنچه به تجارات و معاملات و غیر هما بر آن بیفزاید و به حد نصاب برسد یعنی منافع محصوله از آن در این صورت بما حکم به الله باید عمل شود الا اذ انتقل اصل المال الی ید اخرى اذاً يتعلق به الحقوق كما تعلق اول مرة در آن وقت حقوق الهی باید اخذ شود نقطه اولی می فرماید از بهاء کلّ شیء که مالکند باید حقوق الله را ادا نمایند و لکن در این ظهور اعظم اسباب بیت و بیت مسکون را عفو نمودیم یعنی اسبابی که ما محتاج به است. " (رساله

سؤال و جواب، ۸)

۴ - " سؤال : حقوق الله و دیون میت و تجهیز اسباب کدام مقدم است.

جواب : تجهیز مقدم است بعد اداء دیون بعد اخذ حقوق الله و اگر مال معادل دیون نباشد آنچه موجود است به مقتضای دیون قلیلاً و کثیراً قسمت شود. " (رساله سؤال و جواب، ۹)

۵ - " سؤال : در کتاب اقدس حقوق الله نازل. آیا بیت مسکون و متروکات آن و ما محتاج جزو اموالی است که حقوق بر آن ثابت میشود یا نوع دیگر است.

جواب : در احکام فارسیّه می فرماید "در این ظهور اعظم اسباب بیت و بیت مسکون را عفو نمودیم یعنی اسبابی که مایحتاج به است." " (رساله سؤال و جواب ، ۴۲)

۶ - سؤال : اگر بالفرض اموال شخصی صد تومان باشد و حقوق را ادا نموده بعد در تجارت نقصان واقع شود و نصف این مبلغ تلف شود باز به تجارت به نصاب رسد حقوق باید داد یا نه.
جواب : در این صورت حقوق بر آن تعلق نمیگیرد. " (رساله سؤال و جواب ، ۴۴)

۷ - سؤال : اگر مبلغ معهود به کَلّی بعد از اداء حقوق تلف شود و دفعه دیگر از کسب و تجارت همین مبلغ حاصل شود حقوق ثانی باید داد یا نه.
جواب : در این صورت هم حقوق ثابت نه. " (رساله سؤال و جواب ، ۴۵)

۸ - سؤال : آیا شخص می تواند در کتاب وصیّت از اموال خود چیزی قرار بدهد که بعد از وفات او در امورات خیریه صرف شود به غیر اداء حقوق الله و حقوق ناس یا آنکه جز مخارج کفن و دفن و حمل نعش حقّی ندارد و ما بقی اموال کما فرض الله به وراثت میرسد.
جواب : انسان در مال خود مختار است اگر بر اداء حقوق الهی موفّق شود و همچنین حقّ النَّاس بر او نباشد آنچه در کتاب وصیّت بنویسد و اقرار و اعتراف نماید مقبول بوده و هست. قد اذن الله له بان يفعل فیما ملّک الله کیف یشاء. " (رساله سؤال و جواب ، ۶۹)

۹ - سؤال : هر گاه شخص متوفّی حقوق الله یا حقّ النَّاس بر ذمه او باشد از بیت مسکون و البسه مخصوصه و سایر اموال بالتّسبه باید ادا شود یا آنکه بیت و البسه مخصوص ذکران است و دیون باید از سایر اموال داده شود و هر گاه سایر ترکه وفا نکند به دیون چگونه معمول شود.
جواب : دیون و حقوق از سایر اموال داده شود و اگر اموال وفا نکند از بیت مسکون و البسه مخصوصه ادا شود. " (رساله سؤال و جواب ، ۸۰)

۱۰ - سؤال : در الواح الهیه نازل شده هر گاه کسی مالک شود معادل نوزده مثقال ذهب را باید حق الله را از آن ادا نماید. بیان شود از نوزده چه قدر داده شود.
جواب : حکم الله در صد نوزده معین شده از آن قرار حساب نمایند معلوم می شود بر نوزده چه مقدار تعلق میگیرد. " (رساله سؤال و جواب ، ۸۹)

۱۱ - سؤال : از حقوق ملکی که منفعت از آن عاید نمی شود.

جواب : حکم الله آنکه ملکی که انتفاع آن مقطوع است یعنی نفعی از آن حاصل نمی شود حقوق بر آن تعلق نمی گیرد و الله هو الحاکم الکریم. " (رساله سؤال و جواب، ۱۰۲)

۱۲ - " اصل نصاب که حقوق بر آن تعلق میگیرد عدد نوزده است و این مطابق است با کتاب مبارک اقدس چه که در آن آیه مقصود بیان مقدار بوده نه نصابی " (ص ۱۴۳ ج ۸ مائده آسمانی ط ۱۲۱ بدیع)

۱۳ - " یا قوم اول امر عرفان حقّ جلّ جلاله و آخر آن استقامت و بعد تطهیر مال و ما عند القوم بما امر به الله بوده . لذا باید اول حقوق الهی اداء شود و بعد توجه به بیت . محض فضل این کلمه ذکر شد " (ص ۲۵ ج ۸ مائده آسمانی ط ۱۲۱ بدیع)

۱۴ - " امر حقوق بسیار عظیم است سبب و علت برکت و نعمت و رفعت و عزّت بوده و هست " (ص ۹۹ گنجینه حدود و احکام)

۱۵ - " وَإِلَّٰ لِّغَنِيٍّ أَمْسَكَ حُقُوقَ اللَّهِ وَ مَا فُرِضَ فِي لَوْجِهِ الْحَفِظِ " (ص ۱۶۰ ج ۳ امر و خلق)

۷ - " فی الحقیقه امر حقوق الهی امر بزرگی است . بر جمیع ادای آن لازم چه که اوست سبب نعمت و برکت و خیرات " . (ص ۱۰۳ گنجینه حدود و احکام)

۱۶ - " این حقوق که ذکر شده و از افق سماء لوح الهی حکم آن اشراق نموده ، نفع آن بخود عباد راجع است . لَعُمُرُ اللَّهِ اگر مطلع شوند بر آنچه مستور است آگاه گردند از بحر فضلی که در این حکم مکنون است ، جمیع ناس آنچه را مالکند در سبیل ذکرش انفاق نمایند " . (ص ۲۳۵ ج ۷ آثار قلم اعلی)

۱۷ - " اداء حقوق الهی بر کلّ فرض است و حکمش از قلم اعلی در کتاب نازل و ثابت و لکن اظهار و اصرار ابدأ جائز نه . هر نفسی مرفق شود بر اداء آن و بروح و ریحان برساند مقبولست و الا فلا . از بابت تذکر یکبار باید عموماً در مجلس ذکری بشود و بس . نفوس موفقه ثابته بصیره خود اقدام مینمایند و بما أُمْرُوا بِهِ مِنْ لَدَى اللَّهِ عامل میشوند نفع این فقره بخود آن نفوس راجع إنّ الله عَنِّي عَنِ الْعَالَمِينَ " (ص ۱۵ مجموعه ای از نصوص مبارکه و دستخطهای بیت العدل اعظم الهی در باره حقوق الله)

۱۸ - " از جمله حقوق الله نازل و اگر ناس بادای آن موقّق شوند البتّه حقّ جلّ و عزّ برکت عنایت فرماید و هم آن مال نصیب خود آن شخص و ذریّه او شود چنانچه مشاهده مینمائی اکثری از اموال ناس نصیب ایشان نشده و نمیشود و اغیار را حقّ بر آن مسلّط میفرماید و یا وراثتی که اغیار بر ایشان ترجیح دارد . حکمت بالغه الهی فوق ذکر و بیان است " (ص ۱۰۲ گنجینه حدود و احکام)



حضرت عبدالبهاء:

۱ - " ای یاران عبدالبهاء محض الطاف بی پایان حضرت یزدان بتعیین حقوق الله بر عباد خویش منت گذاشت و الا حق مستغنی از کائنات بوده و الله عَنِّي عَنِ الْعَالَمِينَ اما مفروضی حقوق سبب ثبوت و رسوخ نفوس و برکت در جمیع شئون گردد " (حضرت عبدالبهاء - الواح مبارکه وصایا)

۲ - " ای یاران ربّانی من این یقین و مسلم است که حضرت بیچون در جمیع شئون بغنای مطلق موصوف و برحمت واسعه مشهور و بفیض ابدی مألوف و بعطاء عالم وجود معروف ولی نظر بحکمت بالغه و امتحانات خارقه تا آشنا از بیگانه امتیاز یابد حقوق بر عباد خویش واجب و مفروض فرمود . نفوسی که اطاعت این امر مبرم نمودند ببرکت آسمانی موق و در دو جهان روی روشن و مشام از نسیم عنایت معطر کردند . از جمله حکمتهای بالغه اینکه اعطای حقوق سبب ثبوت و رسوخ نفوس گردد و نتایج عظیمه بارواح و قلوب بخشد و در موارد خیریه مصرف گردد " (ص ۱۰۰ گنجینه حدود و احکام)

۳ - " در خصوص حقوق سؤال نموده بودید انسان در ظرف یکسال آنچه منفعت کند باید مصارف سالیانه خود را منها کند پس از آنچه که زیادی مانده در صد نوزده حقوق بدهد یعنی شخصی در ظرف یکسال از تجارتش هزار لیره منفعت برده ، مصارف سالیانه خویش را که ششصد لیره باشد منها میکند چهار صد لیره زیادی دارد ، حقوق بر این چهار صد لیره تقرّر حاصل میشود یعنی باید از چهار صد لیره از هر صدی نوزده لیره که جمعی هفتاد و شش لیره میشود بجهت مصارف خیریه حقوق بدهد " (ص ۲۶ مجموعه ای از نصوص مبارکه و دستخطهای بیت العدل اعظم الهی درباره حقوق الله)

۴ - " سبحان الله اغنیای احبّا همّتی ننمایند و خدمتی نکنند از بس تعلق باین اموال دنیا دارند ولی بالتّصادف بعد از وفات ، اموالشان در دست دشمنان آنان افتد . میخورند و بقول عوام فاتحه میخوانند " (ص ۱۰۴ گنجینه حدود و احکام)



بیت العدل:

۱ - " فریضه حقوق الله در این آیه مبارکه مقرر گشته و آن عبارت از تقدیم میزان معینی از مایملک هر فرد بهائی است . حقوق الله در ابتدا به جمال اقدس ابھی ، مظهر ظهور الهی و بعد از صعود مبارک به حضرت عبدالبهاء ، مرکز میثاق ، تقدیم می گردید . در الواح مبارکه وصایا حضرت عبدالبهاء می فرمایند : حقوق الله راجع به ولی امرالله است . حال چون کرسی ولایت خالی است حقوق الله به مرجع امرالله که بیت العدل اعظم است راجع می گردد . عایدات این صندوق به مصرف ترویج امرالله و تأمین مصالح امریه و اعمال خیریه و منافع عمومی می رسد . اداء حقوق الله وظیفه ای است روحانی که انجامش به وجدان افراد بهائی موکول

گشته است . اهمیت فریضه حقوق الله را میتوان به جامعه بهائی تذکّر داد ولی هیچ کس حق ندارد از افراد مطالبه حقوق نماید . در چند فقره از رساله* (سؤال و جواب)* توضیحات بیشتری در باره حکم حقوق الله مذکور گشته است . اداء حقوق مبتنی بر محاسبه ارزش دارائی افراد است . فریضه روحانی هر شخصی آن است که اگر ارزش دارائی او اقلّاً معادل با نوزده مثقال طلا باشد (سؤال و جواب ، فقره ۸) ، نوزده در صد آن مبلغ را بابت حقوق الله بپردازد و حقوق الله بر این مبلغ فقط یک مرتبه تعلق می گیرد (سؤال و جواب ، فقره ۸۹) . بعد از آن هر موقع در آمد او ، پس از وضع همه مصارف ، به لا اقل معادل نوزده مثقال طلا افزایش یابد ، نوزده در صد این افزایش باید بابت حقوق الله پرداخت شود . هر یک از عواید بعدی نیز به همین ترتیب محاسبه می گردد (سؤال و جواب ، فقرات ۹ و ۸۰) . بعضی از اقلام دارائی از قبیل خانه مسکونی از پرداخت حقوق الله معاف است (سؤال و جواب ، فقرات ۸ ، ۴۲ و ۹۵) . همچنین در موارد زیان مالی (سؤال و جواب ، فقرات ۴۴ و ۴۵) و املاکی که منفعت از آن عاید نشود (سؤال و جواب ، فقره ۱۰۲) و پرداخت حقوق الله که بر ذمه شخص متوفی باشد (سؤال و جواب ، فقرات ۹ ، ۶۹ و ۸۰) مقررات خاصی وضع گردیده است . (در مورد اخیر به یادداشت شماره ۴۷ نیز مراجعه شود .) منتخبات عدیده‌ای از الواح و فقراتی از رساله* (سؤال و جواب)* و سایر آثار مبارکه در باره اهمیت روحانی حقوق الله و جزئیات مربوط به اجرای آن در مجموعه‌ای تحت عنوان "حقوق الله" طبع و نشر گردیده است " (کتاب اقدس - شرح ۱۲۵)

۲ - " در مورد تقسیم ارث ، جمال اقدس ابھی تصریح می فرمایند که هزینه کفن و دفن میت بر سایر مخارج مقدم است ، بعد از آن اداء دیون است و سپس پرداخت حقوق الله. همچنین می فرمایند که پرداخت این وجوه باید از ماترک شخص متوفی سوای خانه مسکونی و البسه مخصوصه تأمین شود و اگر کافی نبود از این اموال استفاده شود " (کتاب اقدس - شرح ۴۷)